

مناطق آزاد

علیرضا حیدری فوق ستاره کشتی جهان

در صفحه‌ی ۲



در این شماره

دیدار شهرام ناظری از «مناطق آزاد»

همین صفحه



پنج فیلمنامه نویسی

صفحه‌ی ۶



صفحه‌ی ۳

فرش ماشینی باد کرده است

اولویت تشریف به حج واجب

حاجیان سال‌های ۷۸ تا ۸۱ مشخص شدند

هفده	۳۹
هجده	۴۶
نوزده	۸۳
بیست	۷۵
بیست و یک	۸۴
بیست و دو	۹۰
بیست و سه	۶۳
بیست و چهار	۷۳
بیست و پنج	۶۷
بیست و شش	۷۸
بیست و هفت	۸۸
اولویت تشریف به حج (سال ۷۹)	
اولویت ۲ رقم سمت راست لیست	
بیست و هشت	۸۵
بیست و نه	۹۱
سی	۰۱
سی و یک	۲۸
سی و دو	۰۷
سی و سه	۱۱
سی و چهار	۴۴
سی و پنج	۱۰

گروه اطلاع‌رسانی-سازمان حج و زیارت اولویت تشریف به حج واجب برای سال‌های ۷۸ تا ۱۳۸۱ را اعلام کرد:

اولویت تشریف به حج (سال ۷۸)

اولویت	۲ رقم سمت راست لیست
یک	۹۲
دو	۰۲
سه	۸۲
چهار	۰۵
پنج	۱۸
شش	۰۹
هفت	۲۳
هشت	۰۰
نه	۴۱
ده	۷۹
یازده	۵۰
دوازده	۵۰
سیزده	۲۱
چهارده	۳۵
پانزده	۲۷
شانزده	۳۲

آغاز فصل نشای برنج



تکثیر آبیاری علیرضا حیدری

رقص شالیزار

مادرم برنج می‌کارد، مادرم برنج می‌بزد، مادرم نان می‌دهد، مادرم رنج دارد، عشق می‌کارد، زندگی می‌چیند، شالیزار تو را به خاطر می‌آورد، شالیزار تو را عاشقانه به یاد دارد وقتی که تصویر قامت خمیده ات در آب می‌رقصد، شالیزار تو را بهاری به یاد دارد، با رقص پیرهن ت در باد، با صداقت که زیبا بود وقتی که در سکوت دشت صدایم می‌زدی، صدایم کن مادر، صدایم کن!

نشاء برنج در اراضی شالیزاری مازندران آغاز شد

اولین نشاء برنج در اراضی شالیزاری مازندران روز یکشنبه در روستای «آزبان» از توابع شهرستان فریدونکنار آغاز شد. به گزارش سازمان کشاورزی استان مازندران این استان با داشتن ۲۳۰ هزار هکتار اراضی شالیزاری سالانه حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار تن شلتوک برنج برداشت می‌شود. این گزارش اضافه می‌کند: زراعت برنج با دربرگیری بیش از ۳۶ درصد سطح و ۴۴ درصد تولید کشور جایگاه ویژه‌ای در بعد ملی به خود اختصاص داده است.

در سال زراعی گذشته سطحی معادل ده هزار و ۷۰۰ هکتار به صورت مکانیزه و با ۱۲۵ دستگاه ماشین نشاکار انجام شده است. همچنین در سال گذشته حدود هفت هزار هکتار از اراضی شالیزارهای به اجرای طرح زون (پنجه‌های مجدد برنج) اختصاص داشت که حدود هفت هزار تن شلتوک برنج استحصال شد.

سازمان کشاورزی مازندران در سال گذشته ۳۲ پروژه تحقیقاتی به منظور کاهش مصرف سموم و استفاده بهینه از کودهای شیمیایی اجرا کرده است. استان مازندران دارای ۲۴ هزار و ۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت است که ۷۴ درصد آن کوهپایه و کوهستان، ۲۶ درصد آن را جلگه و دشت تشکیل می‌دهد و حدود ۷۰ نوع زراعت در آن انجام می‌شود.

گفت‌وگوی تمدن‌ها

بابیش از آنچه در چنته داریم



تهمینه میلانی

بی شک شخصی که این بحث را به صورت یک مسئله و نیاز انسان امروز در سطح جهان مطرح می‌کند به یک زمانه پیوسته روه پیش تعلق دارد. کسی که در گذشته در جا نمی‌زند، و در حال تکرارش نمی‌کند.

گفت و گوی تمدن‌ها یعنی می‌باید ما با آنچه که فرهنگ بشری است، بدون هیچ ترس و پیش‌داوری باید هر چه زودتر خود را آماده‌ی این گفت و گو کنیم شاید که نجات ما در آن نهفته باشد.

میدانی است که خود را ارزیابی کنیم، که چه هستیم و چه در چنته داریم. قدمی است بزرگ در راه شناخت تمدن و فرهنگ امروز زمان، نه تمدن کهن پیشینیان. میدان آزمون ماست تا دست‌ها و فکرهایمان را رو کنیم و دریابیم که آیا چیز مهمی برای ارائه به فرهنگ بشری امروز در انبان داریم یا نه؟

بنابر این چه بهتر پیش از آنکه وارد مرحله جدی این گفت و گو شویم، یک گفت و گوی خودمانی، با خودمان و درونمان داشته باشیم. این تجربه‌ای است که اگر از آن سربلند بیرون بیاییم، اعتماد به نفس ما را برای رویارویی و یادرفاقت تمدن‌های دیگر افزایش خواهد داد. ما را آماده خواهد کرد تا در گفت‌وگوی تمدن‌ها که بدون از رنگ پرچم، نژاد و ملیت و مذهب، ... یعنی یک گفت‌وگوی انسانی و راهی برای ایجاد صلح و دوستی و دریک کلمه انسانیت است، حرفی برای گفتن داشته باشیم، تمدن به زعم من هم ارز است با آدمیت و حق حیات آدمی.

برای دستیابی به این گفت‌وگوی خودمانی، در مرحله اول، باید حفظ حرمت فرد را از کتاب قانون بیرون کشید و به میدان زندگی کشاند. باید یاد گرفت که حرمت افراد یک جامعه هسته اصلی یک فرهنگ اصیل و مترقی است. باید شأن انسانی هر فرد را محترم شمرد و به انسان متفکری که خود و ذهنش را از زیر بار دستورهای بازدارنده و سنت‌های دست و پاگیرها می‌کند امکان حضور داد. می‌باید هر چیز عادی و عادت شده را مورد ارزیابی مجدد قرار داد، باید به سنت‌هایی که ما را مثل قلابه به دنبال خود می‌کشند، با شک و تردید نگاه کرد، باید قضاوت، قضاوت عجولانه را از بین برد.

باید با اطاعت کورکورانه موروثی مبارزه کرد، باید انسان را از پوسته تنگش بیرون کشید و او را از مسیر رفع و رجوع حاجات روزانه، از رسم و رسوم سنت‌های متحجر، عاداتی که اراده و اندیشه‌اش را کور می‌کند، جدا کرد، باید به فکر حرمت گذاشت.

تصوری که عموم مردم از مفهوم تمدن ایران دارند، تاریخ کهن و حضور اندیشمندان در طول این تاریخ است. شاید یکی از دلایلی که تمدن ما را از قافله تمدن جهانی عقب انداخته است، نفی و دشمنی دیرینه با این تمدن کهن بوده، بدون شناخت عمیق از آن، و یا نگاه خیره به آن بوده با ظاهری مترقی ملی گرایانه و شعارهای وطن دوستانه. یعنی خود را وارث تمدن و فرهنگ بزرگی دانستن و از ثروت بی حساب این سرزمین بهره بردن و کار دنیا را به دیگران واگذار کردن. (نقش اقلیت فرهیخته را از این معادله حذف کنید، که نظر من عموم مردم است).

میراث فرهنگی یعنی چه؟ برآستی چه کسی وارث حقیقی یک فرهنگ یا تمدن است؟ آیا همین قدر که من با حافظ و فردوسی و خیام و ابن سینا در یک محدوده جغرافیا به دنیا آمده‌ام و تخت جمشید در این محدوده ساخته شده است، مرا وارث آنها می‌کند؟ یا نه اگر کسی در یک کشور اروپایی حرف‌های این سینا را درست فهمید و آن را با دانش امروز بررسی کرد و تطبیق داد، وارث برحق اوست؟ آیا حقیقتاً مرزهای جغرافیایی برای ارث بردن کافی است؟ ما وارث نام آنها هستیم یا مشتای آنها؟

کسانی که امروز مفاخر ما محسوب می‌شوند، همواره چند قدم جلوتر از زمانه‌ی خود برداشته‌اند و تاریخ‌ساز شده‌اند. ما چه برای این تاریخ می‌کنیم؟ آیا قدمی جلوتر از زمانه‌ی خود برمی‌داریم؟ آیا صرف اینکه گذشته نامعلوم و پر از مجهولمان را در قابی طلایی به نمایش تمدن‌های دیگر بگذاریم، کافی است تا ما را وارث تمدن بزرگی بنماید؟

این فخر فروشی وقتی که به کار این بزرگان آگاه نیستیم چه ارزشی دارد؟ اصل فرهنگ برخورد با ایشان است که در این میانه حضور ندارد. بنابراین خارج از موقعیت جغرافیایی این بزرگان و آثار هنری موجود در این جغرافیا متعلق به کسانی است که می‌فهمندش. و شاید بزرگترین کارها در گفتگوی تمدن‌ها شناختن، بهره گرفتن و شناساندن حقیقی و واقعی آنها باشد به جهانیان، کاری که سینمای ایران در ۱۰، ۱۵ ساله اخیر در زمینه‌ی مسایل ایران کرده و می‌کند و موجب شگفتی و تحسین جامعه‌ی بشری می‌شود.

متأسفانه تاریخ ما، تاریخ یکدست یک تمدن موفق نیست و ما قرنهاست که هرروز بیش از پیش از آن تمدن پرافتخار جدا شده‌ایم. ما ارث اجدادیمان را در اغلب جنبه‌های اقتصادی، هنری، علمی، اجتماعی و سیاسی از دست داده و محتاج دیگران شده‌ایم و نمی‌توانیم بگوییم من محتاجم، اما به کمک احتیاج ندارم. همه چیز در اطرافمان از ماشین زیر پامان تا خودنویس دستمان، حاصل تمدنی است که ما در آن نقشی نداشته‌ایم.

پس می‌چسیم به یادگیرهای یزد، و کسانی را که وسیله راحت‌تری در اختیار ما برای خنک کردن فضاها‌ی زمستانی مان گذاشته‌اند، را با مشت برسینه‌زند نفرین می‌کنیم و در مرتبه‌ی از دست رفتن یادگیرهایمان که به ما ارث رسیده است (بی‌آنکه هیچوقت در فکر کامل کردنشان باشیم تا پدرد خانه‌های امروزی ما بخورد) می‌سوزیم و می‌سازیم. می‌گوییم ما یک ملت شرقی با کمالات انسانی هستیم، برای متمدن بودن این فقط بخشی از معادله انسانی است و کافی نیست. اگر ما از میان اجزاء مختلف فرهنگ تنها به فرهنگ معنوی تکیه کنیم و فرهنگ مادیمان لنگ باشد و مصرف‌کننده، معنویات بسرعت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و نابود خواهد شد.

شهرام ناظری، میهمان روزنامه‌ی مناطق آزاد

موسیقی ایرانی، اسیر چاه سنت

«پس از چند سال انزوا، با دست پر و با مطالعه بیشتر آمده‌ام»



رتیب موسیقی به اکثر خانه‌ها راه یافت. این یک فرصت خوب بود که متأسفانه به دلیل عدم ترتیب موسیقی به اکثر خانه‌ها راه یافت. این یک فرصت خوب بود که متأسفانه به دلیل عدم ترتیب موسیقی به اکثر خانه‌ها راه یافت. این یک فرصت خوب بود که متأسفانه به دلیل عدم ترتیب موسیقی به اکثر خانه‌ها راه یافت.

«چون غرض آمد هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به سوی دیده شد چونکه زاغان خیمه در گلشن زدند بلبلان پنهان شدند و تن زدند» من جزو بلبلان نیستم اما به دلیل همین اوضاع به هم ریخته ۲۰ سال است که پا به رادیو و تلویزیون نگذاشته‌ام حتی اگر در خیابان ولیعصر هم کاری داشته باشم با سرعت تمام از

فودچهارمین شماره

مجله مناطق آزاد

به همراه ۶ ویژه‌نامه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور و مطالب خواندنی دیگر منتشر شد

دوره‌های جلد شده مجله مناطق آزاد (از اسفند ۶۹ تا شهریور ۷۷) شامل اطلاعات مربوط به مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ایران و جهان

تلفن: ۰۹۰۵۲۹۸۲۲۹ فاکس: ۰۹۶۶۹۷۸۲۰

جناب آقای فرزاد نخعی

با نهایت تأسف در گذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت می‌گوییم.

روزنامه‌ی مناطق آزاد